



## Strategic Lessons from Israel's Invasion of Iran: Changing the Nature of War

Bahadur Aminian<sup>1</sup>

1. Corresponding Author: Associate Professor, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran.  
Email: bahaminian@hotmail.com

### Volume info

Vol. 34  
Series: 132  
Autumn 2025  
P.P: 57-76

### Article Type

Research Paper

### Article History

Received:  
2025-08-26  
Revised:  
2025-09-13  
Accepted:  
2025-09-13  
Published:  
2026-01-05

### ISSN – E-ISSN

ISSN: 2008-6121  
E-ISSN: 2645-5218



### Abstract

Recognizing the nature of the war we are involved in—or the one that lies ahead—is the most crucial and fundamental factor for preparation, entry into war, success in war, and even for analyzing it. This article, using a qualitative analytical method and utilizing sources and works published in think tanks, attempts to analyze the 12-day Israeli attack on Iran in 1404 while presenting a conceptual discussion. In conceptual discussions, Clausewitz's discussions have been attempted to be examined and used. In the section on the nature of the war, the radical changes that have occurred in this war in the light of the two recent revolutions in military affairs are examined, and at the beginning of the war operations and Israel's plans for the invasion of Iran are stated.

The course of the war's development and outcome are analyzed in the next section. Given that Iran is currently in a very fragile stage of the ceasefire and the importance of Israel and its supporters and allies has not been realized. One of the most important results of this war for Iran is relying on the people for resilience and methods for consolidating economic, social, and military resilience. Finally, based on the lessons mentioned, practical suggestions are provided.

**Keywords:** Israel Iran future war lessons of war nature of war.

**Cite this Article:** Aminian, B. (2025). Strategic Lessons from Israel's Invasion of Iran: Changing the Nature of War. *Scientific Journal of Defense Policy*, 34(132), 57-76.

doi : 10.47176/dpj.2025.1856



OPEN ACCESS

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights

**Publisher:** Imam Hossein University.

## درسهای استراتژیک تهاجم اسرائیل به ایران: تغییر ماهیت جنگ

بهادر امینیان<sup>۱</sup>

۱. نویسنده مسئول: دانشیار دانشکده روابط بین الملل وزارت خارجه، تهران، ایران.

Email: bahaminian@hotmail.com

### چکیده

فهم ماهیت هر جنگ بنیادی ترین مقدمه برای تحلیل آن واقعه و همچنین برنامه ریزی، پیش بینی و موفقیت در آینده است. این مقاله به شیوه تحلیلی کیفی و با بهره برداری از منابع آشکار و اثار منتشره در اندیشکده ها می کوشد ضمن ارائه یک چارچوب مفهومی برای درک جنگ، به این سوال پاسخ دهد که این جنگ چه درسهای استراتژیکی داشته است. در پاسخ به این سوال به تحلیل حمله ۱۲ روزه اسرائیل به ایران در سال ۱۴۰۴ می پردازد فرضیه اصلی این مقاله آنست که این جنگ تغییرات گسترده ای در ماهیت جنگهای آتی ایجاد می نماید و شرایط متفاوتی برای بازیگران و ایران فراهم می سازد. در مباحث مفهومی کوشیده شده دیدگاههای کلازویتس بررسی و مورد استفاده قرار گیرند. تغییرات ریشه ای رخ داده در این جنگ در سایه دو انقلاب اخیر در امور نظامی رخ داده است. در بخش آغاز جنگ اهداف و برنامه های اسرائیل برای تهاجم ایران بیان می گردد. سیر تحول و نتیجه جنگ در بخش بعدی مورد تحلیل قرار می گیرد. با توجه به اینکه ایران اکنون در مرحله بسیار شکننده آتش بس قرار دارد و بسیاری از اهداف اسرائیل و حامیان و متحدانش محقق نشده است، درسهای این جنگ باید منشا تحولات گسترده در ایران و کشورهای دیگر قرار گیرد. هدف اصلی این مقاله استخراج درسهای این جنگ در عرصه های حکمرانی، استراتژیک، بین المللی، دیپلماتیک و نظامی است که این موارد در بخش نتیجه گیری لیست و توضیح داده شده است. یکی از مهمترین نتیجه های این جنگ برای ایران تکیه بر مردم برای تاب آوری و روشهای تحکیم تاب آوری اقتصادی، اجتماعی و نظامی است. در نهایت با توجه به درسهای ذکر شده، پیشنهادهای اجرایی ارائه گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** اسرائیل، ایران، جنگ آینده، درس جنگ، ماهیت جنگ.

**استناد:** امینیان، بهادر. (۱۴۰۴). درسهای استراتژیک تهاجم اسرائیل به ایران: تغییر ماهیت جنگ. فصلنامه سیاست

دفاعی، ۳۴(۱۳۲)، ۵۷-۷۶. doi: 10.47176/dpj.2025.1856

© نویسنده (گان) حق نشر و حقوق کامل انتشار را برای خود محفوظ می دارند.

ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع).



OPEN ACCESS

## مقدمه

شناخت جنگی که در آن درگیر هستیم یا فراروی ما قرار دارد مهمترین و بنیادی ترین عامل برای آمادگی، ورود در جنگ، موفقیت در جنگ و حتی تحلیل جنگ است. مع الاسف بسیاری از فرماندهان و سیاستمداران قبل از ورود به جنگ، به دلیل حاکمیت تجارب قبلی بر آنان، برای جنگ گذشته آماده هستند و شناخت و تحلیل دقیقی از ماهیت جنگ جدید ندارند. آنها در رویارویی با جنگی که برای آن آماده نیستند غافلگیر می شوند و هزینه های سنگینی برای خود، ارتش و کشور خود به بار میاورند. بر اساس نظریات کلاوزویتس جنگ ماهیتی بسیار متغیر دارد و همانند یک آفتاب پرست رنگ عوض میکند. حتی ممکن است سیاستمدارانی، جنگ را به عنوان ادامه سیاست ایجاد نمایند ولی به دلیل آنکه جنگ با پدیده ای به نام دیالکتیک و اصطکاک درگیر میشود، به عنوان پدیده ای مستقل از سیاست جایگزین آن شده و به سرعت سیاست را به حاشیه میراند و تنها از قواعد خود پیروی می کند. (کلاوزویتس، ۱۳۸۵: ۲۵). به همین دلیل تحول و پویایی ماهیت جنگ، این فرماندهان و کشورها در تقابل با جنگ جدید دچار غافلگیری می شوند. بر اساس دیدگاه کلاوزویتس جنگ تثلیث شگفت اوری از سه ضلع ۱- خشونت و هیجان، ۲- عقلانیت و وابستگی به عنوان ابزار سیاسی و ۳- بازی احتمالات و تصادف است که ضلع اول در حوزه مردم، ضلع دوم در حوزه سیاستمداران و ضلع سوم در حوزه فرماندهان تعیین می گردد. (کلاوزویتس، ۱۳۸۵: ۳۰)

در جنگی که اسرائیل به ایران تحمیل کرد و آنرا جنگی پیشگیرانه<sup>۱</sup> نامید ایران بر همین بنیان دچار غافلگیری استراتژیک<sup>۲</sup> شد و همچنین خود اسرائیل نیز دچار غافلگیری استراتژیک از نوعی دیگر شد و هر دو طرف هزینه های سهمگینی دادند. این مساله یقیناً باید موضوع پژوهشها و بررسیهای عمیقی در کشور گردد. در بخش اسرائیل این سنت وجود دارد که شکستهای سنگینی را

۱ جنگ پیشدستان (preventive warfare) به نوع جنگی گفته می شود که برای جلوگیری از حمله دشمن طراحی و اجرا می شود. برای مشروعیت حقوقی باید شواهد کافی مبنی بر قصد دشمن در حمله وجود داشته باشد ولی جنگ پیشگیرانه (preemptive warfare) برای از بین بردن احتمال قدرت گیری طرف مقابل طراحی و اجرا می گردد. این نوع جنگ بهانه کشورها برای اهداف تجاوزکارانه خود استفاده می شود و در حقوق بین الملل مشروعیت نداشته و محکوم است. (ظریف، ۱۳۹۱: ۴۳)

۲ غافلگیری استراتژیک (surprisestrategie) به معنی رویارویی یک بازیگر با یک موقعیت یا رویداد ناگهانی است که تأثیرات بنیان افکن داشته باشد و این بازیگر اطلاع و آمادگی قبلی برای آن نداشته و برنامه ریزی برای مواجهه نکرده باشد.

که خورده اند موضوع بررسی عمیق قرار داده و درسهایی برای آینده از آن استخراج می کنند. در شکست تاریخی جنگ ۳۳ روزه آنها با تشکیل کمیته وینوگراد به بررسی گسترده و همه جانبه ای در عالیترین سطوح پرداختند و به نتایج عملیاتی و کاربردی رسیدند. امید است مساله غافلگیری استراتژیک در این جنگ که برای ایران رخ داد نیز مورد کنکاش گسترده در راهبردی ترین عرصه ها قرار گیرد. هر چند ایران در این جنگ و پس از دریافت ضربات مهلک توانست خود را بازیابی نماید و ورق جنگ را برگرداند.

## روش شناسی و ادبیات پژوهش

این مقاله از روش تحلیلی کیفی استفاده می کند و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای و ملات علمی و انتشارات اندیشکده ها آخرین داده های مربوط به مساله حمله اسراییل را مورد بررسی قرار می دهد.

هنوز زمان زیادی از این جنگ نگذشته و نمی توان انتظار داشت که نوشته های علمی و پژوهش درخوری در مورد درسهای این واقعه منتشر شده باشد. البته به دلیل اهمیت فوق العاده این تحول نوشته های ژورنالیستی در ابعاد سیاسی، اطلاعاتی و نظامی زیادی در رسانه ها به زبان انگلیسی و فارسی منتشر گردیده است. بخشی از این نوشته ها در این مقاله نیز مورد بهره برداری قرار گرفته است. بیشتر نوشته های منتشر شده، جانبدارانه است و بویژه اندیشکده های اسراییلی برخی آمریکایی کاملاً یکجانبه و برای رسیدن به اغراض سیاسی و در چارچوب عملیات روانی مشخص اقدام به انتشار گسترده ادبیات حتی در مجامع علمی می نمایند.

در مساله فهم ماهیت جنگ و شیوه درس آموزی از جنگها نیز ادبیات علمی گسترده ای وجود دارد. متخصصان مسایل نظامی و استراتژیک بیش از همه مرهون کلاوزویتس هستند که در کتاب درباره جنگ (کلاوزویتس، ۱۳۸۵) تاملات جدی و منحصربفردی در مورد جنگ انجام داده است که پس از گذشتن بیش از دو قرن هنوز مطالب زنده، کاربردی و ارزنده ای در اختیار محققان قرار می دهد. در این مقاله نیز این کتاب مورد توجه بوده است. ادوارد لوتواک (Luttwak, 1987) در تفسیر پارادوکسهای جنگ و استراتژی با تقسیم جنگ به سطوح استراتژیک و استراتژی

بزرگ<sup>۱</sup>، سطح صحنه نبرد<sup>۲</sup>، سطح عملیات و سطح تاکتیک به بررسی تاثیرات حملات غافلگیرانه توجه میکند و در بخشی از کتابش به نقش نیروی هوایی، مسایل سری و فریب و همچنین راه حل‌های تکنولوژی سطح بالا می‌پردازد. (Luttwak, 1987: 151) برادفورد لی نیز در کتاب منطق استراتژیک و عقلانیت سیاسی (لی، برادفورد، ۱۳۹۳) مجموعه‌ای از مقالات را گرد آورده که در مورد وقوع جنگ و اسنخراج درسهای آن صحبت می‌کند. در یکی از مقالات این کتاب با عنوان درس نظامی چیست؟ سه روش تفسیر مهمترین درسهای جنگ در سطوح استراتژیک، نظامی، و عملیاتی **تاکتیک** بر شمرده میشود: روش باستانی یا پیشامدرن، روش اثبات گرا و روش عملگرا. بر این اساس درس نظامی در سطح استراتژیک دو مولفه اصلی دارد: تفسیر ماهیت و نتیجه جنگ گذشته و پیش‌گویی صریح یا ضمنی ماهیت و نتیجه جنگ آینده. تبیین و تفسیر جنگ گذشته بدون پیش‌بینی صریح یا ضمنی ماهیت و نتیجه جنگ آینده صرفاً نوعی تمرین بی‌فایده تاریخی است. (فولر، ۱۳۹۳: ۹۸) در مقاله معماری و ابعاد نرم استراتژی کلان اسرائیل ستونهای ساختار نظامی استراتژی کلان این نظام را بازدارندگی، عمق استراتژیک مصنوعی، هشدار زودهنگام، مزیت کیفی و دکترین تهاجمی برمی‌شمرد. در بحث مزیت کیفی تاکید بر لبه تیز فن‌آوری پیشرفته ره به عنوان عامل توان افزا میداند که ضعف کمی ارتش خود را نسبت به دشمنان جبران میکند (لی، برادفورد، ۱۳۹۳: ۳۵۲). در نهایت مقاله‌ای در مورد کلاوزویتس و دو انقلاب معاصر در امور نظامی مورد بحث قرار گرفته است که در مقاله حاضر نیز مبنای بخشی از مباحث در مورد طراحی اسرائیل در حمله به ایران قرار گرفته است.

## یافته های تحقیق

### پیشینه موضوع

در مورد پیشینه موضوع می‌توان از دریچه‌های مختلفی به مساله وارد شد. از جمله چهار عنوان ویژه در پیشینه این موضوع قرار دارد: ۱- سیر تحول بازدارندگی ایران: عدم ورود به جنگ ۲- ماهیت جنگهای پیشین ۳- برخورد اسرائیل و آمریکا با ایران و ۴- تاریخ شکل دهی به نظم

1 Grand strategy  
2 Theatre strategy

منطقه. هر یک از این موارد خود مقاله مفصلی خواهد بود ولی جهت رعایت ایجاز که روش این نوشته است تنها مورد چهارم به اختصار ذکر خواهد شد.

نظم منطقه ای را می توان سازماندهی الگوهای رفتاری میان واحدها و کنشگران موجود در یک منطقه تعریف کرد که در نتیجه آن هدفهای سامانه منطقه ای محقق شود (اقایی، ۱۳۹۶:۲۵۵) نظم معمولاً نتیجه یک جنگ، یک هژمونی، یک اتحاد، تثبیت موازنه قوا، یک فرآیند مذاکره و یا یک اتفاق بزرگ است. نظماً (شاید در مواردی بجز هژمونیک) مهندسی نمی شوند و نتیجه یک فرآیند تاریخی است.

پس از فروپاشی نظام دوقطبی بسیاری از مناطق جهان به نظم شکل یافته ای دست پیدا کردند و از این طریق توانستند تنشها را مهار و اوضاع منطقه خود را به سامان برسانند. ولی منطقه غرب آسیا به دلیل ویژگیهای منحصر بفردش، دخالت قدرتهای خارجی و حضور عاملی به نام اسرائیل، در طول این چند دهه دستخوش بحران و تنازع یوده و هیچ نظم یکپارچه ای در آن مستقر نگردید. (Shoamanesh, 2012) نیکلاس اونف بنیانگذار نظریه اجتماعی روابط بین الملل (سازمانگاری) معتقد است خاورمیانه و نظم آن به دلیل مشکلات متعدد بسیار پیچیده و سخت است. <https://noandish.com/fa/news/40811/> این مشکلات تا حدی بوده که برخی محققان بیان می دارند که در خاورمیانه هنوز جنگ جهانی اول به پایان نرسیده است و حتی برخی از بازیگران خواهان اصلاحاتی در معاهده سایکس پیکو شدند (Axworthy, 2016). دخالت مستقیم آمریکا در منطقه و اشغال خسارت بار عراق نیز نتوانست نظم نوین وعده داده شده را محقق سازد و بالعکس عامل بی ثباتی و مشکلات هولناکی همانند ظهور داعش و کنترل بخش عظیمی از این منطقه توسط این گروه گردید. طرحهایی به عنوان خاورمیانه جدید، آنارسی سازنده و تخریب سازنده (Leber, 2017)، خاورمیانه بزرگتر، اسرائیل بزرگتر (shahk, 2016)، طرح ابراهیم و... که با سروصدا و هزینه زیاد و در مواردی توسط آمریکا طرح شد و سرمایه گذاری گسترده ای نیز برای اجرای آن به عمل آمد نیز به فرجام نرسیدند.

پس از واقعه ۷ اکتبر اسرائیل این بار مصمم گردید تا نظم منطقه ای جدید مستقر سازد. (Yadlin, 2024) اسرائیل با نادیده انگاشتن تمام اصول پذیرفته شده بین المللی اقدام به نابودی تمام موانع استقرار این نظم جدید نمود. حمله به غزه، اشغال و کشتار بی سابقه و روزانه در آن

منطقه، حمله به لبنان و تلاش برای نابودی حزب الله و از میان برداشتن رهبران و فرماندهان آن، دخالت در تحولات سوریه (Salih, 2025) برای ایجاد منطقه ای بی تاثیر و بی خطر برای اسرائیل و... حلقه های این طرح کلان بودند که در نهایت به حمله به ایران و اجرای مرحله نهایی این طرح منجر گردید. در این مدت جناحهای تندرو در اسرائیل در صدد اقناع سایر جناحها و سایر قدرتها بویژه در آمریکا در مورد این مساله بودند که تنها مانع استقرار نظم مطلوب ایران است و باید در این مورد اقدامی جدی به عمل آورد. در این مورد می توان به مقاله یکی از اندیشکده های مهم طرفدار اسرائیل یعنی موسسه واشنگتن برای مطالعات خاور نزدیک<sup>۱</sup> اشاره کرد که چند هفته قبل از آغاز حمله اسرائیل در مجله معتبر فارین افیرز به چاپ رسید. (Stroul, 2025) این کوششها مبنای حمله نظامی به ایران گردید که در بخشهای بعدی مورد بحث قرار می گیرند.

## ماهیت جنگ

جنگی که در این مرحله ۱۲ روز به طول انجامید ماهیتی شگفت و متفاوت از جنگهایی داشت که تا کنون بشریت تجربه کرده است. از زمان آغاز، به شکلی نوین طراحی و اجرا شد، ولی این جنگ به سرعت تغییر ماهیت داد و خود را به شکل جدیدی تحمیل نمود به همین دلیل به اهدافی که برای آن طراحی شده بود نرسید و نتایجی یکسره متفاوت برجای گذاشت. اسرائیل به تکیه بر تجارب گسترده جنگهای مدرن و درسهای اخیر و تکنولوژی بسیار پیشرفته ای که در اختیار داشت و با تکیه بر پشتیبانی بدون قید و شرط کشورهای قدرتمند غربی و عملیات فریبی که برایش اجرا کردند، از مدتها قبل جنگی را طراحی کرده بود. اسرائیل با افزودن چند عامل غافلگیری و فریب و رخنه گسترده اطلاعاتی، بر تجارب پیشین، عملیاتی سریع و جراحی گونه را طراحی و اجرا نمود. اسرائیل با بهره گیری از آموزه های کلاوزویتس کوشید نقطه ثقل<sup>۲</sup> ایران را متلاشی نموده و در این عملیات جراحی گونه ایران را به زانو در آورد. بر اساس برآوردهای

1 The Washington Institute for Near East Policy (winep)

۲ نقطه ثقل استراتژیک (Strategic Center of Gravity) به محوری ترین نقطه یا عامل کلیدی در یک سیستم (مانند یک سازمان، کشور یا حتی یک فرد) گفته می شود که با از دست دادن آن، سیستم دچار فروپاشی یا اختلال جدی می شود. کلاوزویتس معتقد بود که یک طرح نظامی موفق باید بخش اعظم توجهات خود را بر مرکز ثقل دشمن متمرکز نماید. مرکز ثقل در دشمنان مختلف متفاوتند: نیروهای مسلح، پایتخت، افکار عمومی، زیرساختهای اقتصادی و... (لی، برادفورد: ۱۳۹۳، ۴۵۹)

اسرائیل نقطه ثقل ایران ساختار فرماندهی نظامی، عالیترین سطوح حاکمیتی و مردم بود. طراحی جنگ بر مبنای یر هم زدن این نقاط ثقل بود.

از اواخر قرن بیستم، دو انقلاب در امور جنگها، ماهیت جنگها را متحول کرده که اسرائیل با عنایت به این دو انقلاب، برنامه خود را طراحی و اجرا نمود. تحول نخست که معروفتر است به انقلاب در امور نظامی<sup>۱</sup> معروف است (RMA) و به معنای تحول وجهش گسترده ای است که به کارگیری فن اوریهای نوین بویژه فن اوری اطلاعات، حساسه های پیشرفته و تسلیحات هدایت دقیق (و اخیرا هوش مصنوعی) در امر جنگ ایجاد نموده است. ماهواره های نظامی و امنیتی اطلاعات دقیق، جزئی و به هنگامی فراهم می کنند و مهمات دقیق هدایت پذیر دسترسی به هر هدفی را تسهیل می سازد و تکنولوژی مدرن و هوش مصنوعی امکان فرماندهی و کنترل همه جانبه، دقیق و از راه دور را فراهم می سازد. این انقلاب در امر شناسایی، هدف گیری، دقت، قدرت، فرماندهی و کنترل ماهیت جنگها را متحول کرده است. مایکل هندل از بزرگترین مفسران کلاوزویتس می گوید: "فناوری اطلاعات فرماندهان را قادر می سازد به کمک شبکه های حسگرها و معماری یکپارچه فرماندهی، کنترل و ارتباطات، جهشی کوانتومی در سرعت برپایی جنگ را تجربه کنند تا در کمترین زمان ممکن هدفها شناسایی شده و با تسلیحات هدایت دقیق مورد اصابت قرار گیرد. در نتیجه استراتژی تا سطح هدف گیری تقلیل یابد" مساله ای که هندل آن را تاکتیکی شدن استراتژی می نامد. (لی، برادفورد: ۴۳، ۱۳۹۳) تاثیر این عامل در تغییر ماهیت جنگها را می توان در نوع عملکرد امریکا در جنگ اول و دوم خلیج فارس و جنگ امریکا علیه صربستان (۱۹۹۹ اولین جنگی که پیروزی تنها با به کارگیری نیروی هوایی حاصل شد) مشاهده نمود. جنگ صربستان مدل رفتار اسرائیل گردید و برخی از اقدامات در جنگ اوکراین (بویژه در ماههای اخیر) شاید تمرینی برای این عملیات بود.

انقلاب دوم به عنوان انقلاب در نگرش به امور نظامی<sup>۲</sup> (RAM) معروف گردید. این انقلاب دستاورد دگرگونی ارزشی در جوامع جدید است که محصول روندهای سیاسی، فرهنگی و مردم شناسی است. این انقلاب با گسترش فرهنگ اجتماعی غربی و فردگرایی افراطی، کاهش جمعیت

1 Revolution in Military Affairs (RMA)

2 Revolution in Attitudes toward Military (RAM)

خانواده ها، سازماندهی شبکه محور جامعه، گذر از هویت ملی به هویت چند فرهنگی و کاهش همبستگی اجتماعی (لی، برادفورد: ۵۳، ۱۳۹۳) ایجاد شده و زمینه دخالت مردم جامعه در مقابله با نظامهای خود در زمان جنگ و وادار سازی آنها به تسلیم را فراهم میاورد. نمونه بارز این مساله در جامعه آمریکا در زمان جنگ ویتنام و همچنین تحولات آغازین جنگ عراق و لیبی قابل مشاهده است.

## آغاز جنگ

بر اساس این دو تحول بنیادین در ماهیت جنگها، اسرائیل برنامه خود را طراحی و اجرا نمود. اسرائیل با تکیه بر انقلاب دوم (RAM) هدف جنگ را طراحی نمود و کوشید تا با به خدمت گرفتن کنترل و روایت مردم ایران آنها را به تعارض با نظام حاکم برانگیزاند. نابودی توان هسته ای ایران تنها یک هدف اعلانی است و اسرائیل اهدافی وری این مساله را دنبال می نمود. حتی تغییر رژیم ایران که بارها توسط رهبران اسرائیل بیان شد هدف پایانی این جنگ نبود. اسرائیل به دنبال تجزیه و تضعیف بنیادین ایران از طریق ایجاد آشوب در ایران و از بین بردن نظام است. تغییر رژیم هدف میانبرد برای دستیابی به این هدف کلان است و آنان حتی خواهان ایران قدرتمند طرفدار خود نیز نیستند. اسرائیل در چارچوب طراحی کلان خود برای شکل دهی به نظم منطقه ای، خواهان از بین بردن و خرد کردن قدرتهای منطقه ای می باشد تا مجموعه ای از کشورهای کوچک و ضعیف در منطقه ایجاد نماید که قدرت مقاومت ندارند و به راحتی می توان بر آنها سلطه یافت. ایران با ابعاد جغرافیایی کنونی، با سابقه تاریخی، تمدنی و فرهنگی ریشه دار مهمترین مانع از تحقق این نقشه کلان می باشد و باید منهدم و تجزیه شود. قبلا این طرح در مورد سوریه، لیبی، عراق و تا حدودی مصر واردن اجرایی شده و الان هیچیک توان و نای حرکت و مقاومت بر علیه چنین طرحهایی را ندارند. ایران و شاید پس از آن عربستان و ترکیه هدفهای بعدی هستند.

اسرائیل با تکیه بر انقلاب نخست (RMA) شیوه جنگ را طراحی کرد و با به کارگیری آخرین فن اوریهای دقیق اطلاعاتی و عملیاتی در پیشرفته ترین لبه فن آوری که آمریکا در اختیار او قرارداد داده بود و بهره برداری از تخصصی ترین داده های ماهواره های جاسوسی، (Levaton, 2025) با شناسایی دقیق و ساماندهی با دقت، تمرکز، تسلیح، تمرین و هماهنگی بین المللی از سالها قبل برای آن آماده شده بود اجرایی کرد. این طرح را باید در تداوم عملیات پیچرها در لبنان

و ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران دانست. همچنین با حمله گسترده سایبری بخشی از توانهای پدافندی ایران را مختل کرد. اسرائیل با هماهنگی و پشتیبانی جهانی که به آن دلگرم بود کوشید نهایت سبوعیت را به کار گیرد و تمام خطوط قرمز و نرمهای انسانی و بین المللی را نادیده انگارد تا نهایت خشونت را نشان دهد. این عملیات گسترده در ساعات نخست شوک گسترده ای به ایران و جهان وارد نمود. در این عملیات غافلگیرانه ۲۰۰ هواپیمای اسرائیلی ۱۰۰ نقطه سراسر ایران را با مهمات دقیق هدایت شونده مورد هدف قرار دادند. (levaton, 2025) هدف این عملیات بر اساس مفاهیم کلاوزویتری بر هم زدن نقطه ثقل ایران در بعد عملیاتی یعنی حذف فرماندهان تاثیر گذار و مقامات ارشد حکومتی و در سطح استراتژیک نابودی انسجام ایران و شوراندن مردم ایران بود. همچنین در سطح تاکتیکی نیز حذف دانشمندان هسته ای اجرا گردید و نابودی توان دفاع هوایی و توان موشکی ایران نیز عملیاتی شد. البته بر اساس نظر هندل سطوح تاکتیکی، عملیاتی، استراتژیک در بسیار موارد در هم ادغام شده است.

اسرائیل برای دستیابی به این اهداف با تکیه بر اشراف اطلاعاتی و بهره گیری از پیشرفته ترین تکنیکهای شناسایی و نفوذ و غافلگیری و ترور بخشی از فرماندهان نظامی رده بالا و دانشمندان به همراه خانواده ها و در مواردی همسایگانیشان، انهدام بخشی از توان پدافند هوایی و رادارهای ردیابی و حتی آسیب زدن به توان شلیک موشکها برنامه ریزی و اجرایی گردید. شاید بخش مهمی از این برنامه حمله به جلسه شورای عالی امنیت ملی ایران برای ترور سران سه قوه و سایر رهبران و فرماندهان رده بالای ایران باشد. اقدامی که انجام شد و به زعم اسرائیل به هدف خود رسید. گفته می شود ترامپ پس از دریافت این خبر اجلاس سران ۷ در کانادا را ترک کرد و از بحث تغییر رژیم در ایران دم زد. البته این بمباران به هدف خود نرسید.

### نتیجه جنگ

کلاوزویتری معتقد است به دلیل مساله میزان نفوذ اصطکاک و مساله غبار جنگ، درک رویدادهای جنگ بسیار مشکل و پیش بینی پذیر بودن جنگ و علمی بودن آن، مضحک است. (کرت: ۱۳۹۳، ۴۶۱). این مساله در این جنگ نیز خود را بوضوح نشان داد. جنگ پس از شوک اولیه به گونه ای که برای آن طراحی شده بود پیش نرفت در سطح استراتژیک رهبری

ایران اوضاع را کاملاً کنترل نمود و مردم ایران در واکنشی کاملاً متفاوت با طراحی اسرائیل با حفظ انسجام و وحدت، نمایشی شگرف از خود به جای گذاشت. ایران توانست به سرعت خود را بازیابی نماید و در سطح عملیاتی نقطه ثقل آن بر هم نخورد. در سطح تاکتیکی و عملیاتی کنترل جنگ پس از مدتی به دست ایران افتاد و ضربات متقابل ایران با چنان دقت، سرعت و قدرتی اجرایی شد که اسرائیل محاسبه نکرده بود.<sup>۱</sup>

پس از چند روز ابتدایی جنگ، اسرائیل تنها به تکرار برنامه هایی پرداخت که برای روزهای نخست که تعیین کننده می دانست طراحی کرده بود. ایران با غلبه بر هیولاهای چند لایه تدافعی آمریکا و غرب و اسرائیل هر روز ضربات بیشتر، دقیقتر و هراس انگیزتری وارد ساخت. ایران با تاکتیکهایی موفق و برنامه پیچیده ارسال امواج پهباد، موشکهای کروز و موشکهای حتی نسل قدیمی تر و موشکهای اسکاد و موشکهای فراصوت ۶۰۰۰ با سرعت بیش از کیلومتر در ساعت، و موشکهای رادار گریز (به گونه ای که همزمان به هدف برسند) موفق به تخلیه مهمات پدافندی اسرائیل گردید. (الجزیره، ۲۰۲۵) عملیات فریب ایران باعث شد تا با وجود سلطه اسرائیل بر فضای ایران اما برآوردهای اسرائیل مبنی بر انهدام کلی پدافند هوایی و توان پرتاب موشکی ایران اشتباه باشد و برخی از پهبادها، ریزپرنده های اسرائیلی سرنگون شوند و همچنین توان پرتاب موشکی حفظ گردد. ایران گرچه شاید در به کارگیری برخی از پایگاههای موشکی در مناطق غربی دچار مضیقه گردید ولی پهنه گسترده جغرافیایی ایران و برنامه ریزیهای پیشین، امکان بهره برداری از پایگاههای موشکی ایران در مناطق مرکزی و شرقی را دست نخورده باقی گذارده بود و موشکهای دوربرد تر و دقیقتر ایران توانست ضربات هولناکی بر اسرائیل وارد سازد.

روند جنگ به گونه ای پیش رفت که پس از چند روز نخست، این اسرائیل بود که در برابر ضربات ایران بی دفاع شده بود و بر خلاف ادعاهای مبنی بر نابودی توان پرتاب موشکهای ایرانی، دقت، تنوع، شدت و تعداد شلیکهای ایرانی تداوم یافت. حتی در هفته دوم موشکهای نقطه زن ایرانی موفق به وارد آوردن خسارات چشمگیری در اسرائیل شدند. هر چند اسرائیل سانسور بسیار شدیدی در برآورد خسارات جنگ بر شهرهای خود اعمال می کرد و رسانه های جهانی کاملاً به

۱ این مقاله پنج محاسبه غلط که اسرائیل را به آغاز جنگ با ایران اغوا کرد، چنین می شمارد: محاسبه بر شورش مردم ایران علیه نظام، دست کم گرفتن توان نظامی ایران، نادیده گرفتن برداشت منطقی و جهان نسبت به اسرائیل، ندیدن آسیب پذیریهای اسرائیل و ندیدن این قانون طلایی: آغازگر جنگ خواهد باخت. (Khudaei, 2025)

نفع اسرائیل خبر منتشر می کردند، ولی اندک اطلاعات درز یافته حاکی از تلفات بسیار گسترده ای بود. همچنین شواهد و عدم توان مقابله در برابر موشکهای ایران، حاکی از پایان یافتن ذخایر موشکهای پدافند هوایی و فلج شدن سیستم دفاع موشکی اسرائیل در برابر ایران بود. اسرائیل این بار دچار غافلگیری استراتژیک گردید و برای نخستین بار با شکستی در یک جنگ کلاسیک رویارو شد. اسرائیل به موفقیت‌های تاکتیکی دست یافته است، اما در دستیابی به اهداف راهبردی موفق نبود. اهداف اصلی نتانیا‌هو یعنی شوراندن مردم، نابودی و تحزیه ایران، تضعیف بازدارندگی و نابودی برنامه هسته‌ای ایران همچنان برآورده نشده است. ملت ایران که از قدیمی‌ترین و واقعی‌ترین ملت‌های منطقه و دنیا می‌باشد بدین طریق برنامه ریزیها و برآوردهای اسرائیل را خنثی نمود. مردم ایران بر خلاف طرح‌های اسرائیلی نه تنها در تقابل با نظام برنیامد بلکه مردم جنگ را بر علیه کلیت کشور دانستند و یکپارچه به تقابل با نیروهای مزدور اسرائیل اقدام کردند<sup>۱</sup>. (Bajoghli, 2025) بخش اعظم دستگیریهای نیروهای مزدور نتیجه همکاری مردمی بود و مردم با همکاری کامل با دستگاه‌های امنیتی و حتی پستهای ایست و بازرسی اقدام نمودند.

این جنگ و رای میدان نبرد، پیامدهای چشمگیر اجتماعی و سیاسی را در داخل ایران به همراه داشت و به جای آنکه جرقه فروپاشی نظام را بزند، به خروش عینی احساسات ملی‌گرایانه و به تعبیر پیشگویانه برژینسکی به ترکیب شیعی زخم خورده با هویت ملی تهید شده در بستر تمدنی ایران منجر شد. برای جامعه‌ای که مشکلات اقتصادی در آن شکاف ایجاد کرده است، جنگ به یک لحظه «اتحاد» بدل شد (Toossi, 2025). به قول ژنرال هندی اسرائیل پیروزی تاکتیکی و ایران برد استراتژیک داشت (Sudhaka jee, 2025) در این جنگ هر دو طرف در یک حالت بازدارنده و محتاطانه از تصاعد جنگ خودداری کردند و هیچیک از دو طرف اقدام به وارد

۱ نویسنده ایرانی الاصل مجله فارین پولیسی می نویسد: تقریباً یک‌شنبه، من (نویسنده مقاله) تغییر عمیقی در میان بسیاری از ارتباطاتم در سراسر جامعه ایران شنیدم. حتی ایرانیانی که زمانی شعارهای رسمی (آیت الله) علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، را نادیده می‌گرفتند، حالا آنها را تکرار می‌کنند. حملات نه تنها شور میهن‌پرستانه‌ای برانگیخت، بلکه چیزی فراتر را شعله‌ور کرد: حس گسترده‌ای که قدرت‌های خارجی از خط قرمز عبور کرده‌اند. حتی در میان برخی از منتقدان صریح‌اللهجه نظام، خشم به درون معطوف نشد، بلکه به بیرون چرخید. فقط در دو هفته، ایرانیان یک واقعیت ژئوپلیتیک جدید را درک کردند. (Bajoghli, 2025)

آوردن ضربات جدی به زیرساختهای حیاتی اقتصادی طرف مقابل نکردند. همچنین ایران از وارد آوردن ضربه موشکی به تاسیسات هسته ای اسرائیل ز جمله تاسیسات هسته ای دیمونا خودداری نمود. ایران همچنین تمام توان خود را همانند سلاحهای دریاپایه و ... را استفاده نکرد. در مجموع ساختار مدیریت بحران ایران کارنامه موفق در ابعاد مختلف استراتژیک و حکمرانی و اداره امور و ارتباط با مردم ثبت نمود. این شرایط همانند یک نهال همواره نیاز به پایش و مراقبت دارد. متأسفانه برخی از رفتارها و سیاستها و بویژه ناکارآمدیهای مدیریتی در دوران پس از جنگ نه تنها در جهت حفظ این همبستگی نبود بلکه به شدت بر علیه آن می باشد و مشخص نیست تداوم این سیاستهایی که بخشهایی از نخبگان و مردم را می رنجاند نتاشی از سومدیریت است و یا نفوذ. در جنگ روایتها نیز این بار اسرائیل لطمات گسترده ای دریافت کرد و از اولین جنگهای تاریخ اسرائیل بود که با وجود بسیج تمام رسانه های جهانی حامی خود نتوانست جنگ روایت را پیروز گردد.

ورود آمریکا به جنگ نیز برای پوشش ضعفهای اسرائیل و همچنین بیرون آوردن اسرائیل از محاصره صورت پذیرفت و بلافاصله آمریکا به قول ترامپ برای نجات اسرائیل تقاضای آتش بس را ارائه داد که مورد پذیرش ایران قرار گرفت.

### نتیجه گیری : درسهای استراتژیک جنگ

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه تاثیر شگرفی در مسایل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک منطقه ای و جهانی و حتی سرشت جنگهای آینده برجای خواهد گذاشت. لیست بلندبالای تاثیرات و درسهای جنگ نیاز به گذشت زمان بیشتری دارد ولی در این مقال به ارایه لیست اولیه خواهیم پرداخت. بسیاری از این درسها همانند زلزله ای مواضع سیاسی، دکترین، استراتژیها، ساختار نیروهای مسلح، چینش نیروها، آموزش و آمادگی نیروهای امنیتی و نظامی، آمایش سرزمینی و... را در ایران و بسیاری از کشورها دگرگون خواهد ساخت. در بسیاری از موارد حتی نحوه حکمرانی و ابزار حکمرانی و ارتباطی را دستخوش تحول خواهد ساخت. فهم این درسها بر شناخت جنگهای آینده و آمادگی و هدایت آنها جایگاه مهمی خواهد داشت. اگر این تاثیرات را دسته بندی کنیم می توان

آنها را به بخشهای درسهای حکمرانی، ژئوپلیتیک، استراتژیک، دیپلماتیک، عملیاتی و تاکتیکی تقسیم کرد. هر یک از این بخشها خود لیستهای بلندبالایی را ارائه میدهند. یکی از مهمترین درسهای هر جنگ آنست که درک گردد چرا بازدارندگی شکست خورد و چه ایراداتی وجود داشت و برای بازسازی مجدد بازدارندگی چه باید کرد. یکی از درسهای این جنگ نیز ضرورت شیوه های نوین بازدارندگی است. شروع هر جنگ به معنای در هم شکسته شدن بازدارندگی است و نتایج هر جنگ تاثیرات زیادی بر بازدارندگی در دوران آتی خواهد داشت. هم ایران و هم اسرائیل درسهای بزرگی در مورد بازدارندگی دریافتند و این مساله برای سایر کشورها نیز مدنظر خواهد بود.

شاید مهمترین درس این جنگ، فهم ماهیت متحول جنگ، تغییرات مدام و تغییر شکل آن و نقش خلاقیتها و ابتکارات و تطبیق آخرین سطح از تکنولوژیها و لبه پیشرفتهها در جنگ و تاثیرات آن در کلیه شئون جامعه و حکمرانی می باشد. همانگونه که در متن مقاله ذکر شد این مساله تا حدی سطوح مخت لف استراتژی، عملیات و تاکتیک را به هم ریخته است و مسایل تاکتیکی تکنولوژیک در سطح استراتژیک عمل می کنند. با توجه به آنکه ما هنوز در متن یک جنگ قرار داریم باید بدانیم که هر چند باید درسهای جنگ را آموخت ولی جنگ بعد تفاوتهای زیادی با جنگ قبلی دارند.

در سطح استراتژیک غافلگیری استراتژیک و تاثیرات آن یکی از درسهای گرانبهای این بحران بود. اکنون در شرایطی هستیم که با توجه به عدم پایان جنگ و بودن در شرایط برزخی آتش بس این درسها را باید به صورت جدی در راس اولویتهای حکمرانی قرار داد. مساله تداوم جنگ و عدم ساده انگاری و بویژه فهم روشهای دشمن و آخرین تکنولوژیهای در دسترس او باید دغدغه اصلی استراتژیستها و مسولین امنیتی و نظامی کشور باشد. عدم تقلیل غافلگیری استراتژیک به مسایل جزئی همانند اتباع خارجی و عمده کردن آنها و یا تقلیل توان دشمن تنها به دستگاههای موبایل و یا برنامه های ارتباطی، ساده سازی مساله و غفلت از برنامه های آتی وزمینه ساز تکرار غافلگیریهای بعدی است. باید توان دشمن، تکنولوژی در دسترس او، حمایتهای همه جانبه برای او و تغییر پارادایم و رویکرد او را جدی گرفت. این مساله پیامدهای زیادی برای حکمرانی دارد. ایران به دلیل تنهایی استراتژیک و نداشتن متحد استراتژیک باید در شرایط بحرانی

، پیش بینی ها و آمادگیها نیز متکی به خود باشد. یکی از ابعاد مهم جنگهای آینده جنگهای روانی و مدیریت اطلاعات استراتژیک است. بر خلاف اسرائیل که برنامه منسجم و تشکیل یافته برای کنترل ابعاد روانی و رسانه ای و انتشار اطلاعات در جنگ داشت و می کوشید از این طریق افکار عمومی داخلی خود، ایران و بین المللی را در دست گیرد و حتی بر تصمیم گیری ایران تاثیر گذارد و حتی در ساعات آغاز جنگ برنامه ای جامع برای ارسال پیام مستقیم تلفنی به بیش از صد نفر از فرماندهان و مقامات ایرانی اجرا کرد (saab, 2025)، به نظر می رسد هر چند دستگاههای اجرایی به طور سیستماتیک در اداره امور روزمره کشور کارنامه موفقی ارائه کردند که مورد رضایت مردم نیز بود ولی اداره کشور در دوران بحرانی به سازوکارهای ویژه ای نیاز دارد. برای جلوگیری از غافلگیری استراتژیک، نهادهای تحقیقاتی و اندیشکده ای نقش مهمی برعهده دارند که کمک بسزایی به تصمیم گیرندگان می کنند.

در سطح حکمرانی، یکی از مهمترین درسهای این جنگ نمایش همت، اراده و انسجام یک تمدن است که در قالب رفتار یک ملت تبلور می یابد و معادلات بین المللی را کاملاً متحول میسازد. این عامل نقش قدرت و انسجام داخلی در جنگهای آینده را به نمایش گذاشت. جنگ، فرصتهای استثنایی برای ایران در حفظ و تعمیق این ارتباط و همچنین پیوند با میلیونها ایرانی خارج از کشور فراهم ساخت که قدرشناسی این فرصت استثنایی و تاریخی به تدبیر و برنامه ریزی گسترده نیاز دارد. همچنین ایرانیان خارج از کشور نیز به صورت متحیرکننده ای در مقابل متجاوز ایستادند و نوعی انسجام بین کلیه ایرانیان ایجاد شد. یکی از مشکلات بنیادین ایران در ارتباط با جامعه ایرانیان خارج از کشور نبودن کانال ارتباطی موثر است. اصلی ترین منابع روایت برای ایرانیان خارج از کشور کانالهای ضد ایرانی است که بعضاً توسط آمریکا و اسرائیل پشتیبانی می شوند. این جنگ تا حدی حس انسجام ایرانیان را تقویت کرد که این بار حتی این کانالهای ضد ایرانی در مأموریت خود شکست خوردند. متأسفانه نهادهای رسمی و صدا و سیما ایران در ارتباط با میلیونها ایرانی خارج از کشور که ثروت بالقوه ایران هستند شکست خورده اند.

یکی از درسهای این جنگ ضرورت داشتن پیوست دیپلماتیک در مواقع بحران است. هر چند دستگاه دیپلماسی ایران بسیار موفق عمل نمود و بویژه شخص وزیر امور خارجه در شرایط سخت

اقدامات مناسبتی انجام داد ولی تعامل همه جانبه و بسیج منطقه، سازمانهای بین‌المللی و سایر کشورها به برنامه‌ای جامع و تحرک همه‌جانبه دیپلماتیک نیاز دارد. این جنگ به خوبی جامع شدن سطوح جنگ و دخالت موثر سطوح اطلاعاتی، مالی، تاکتیکی، فن‌آوری، اجتماعی و رسانه‌ها را به نمایش گذاشت. تاب‌آوری اجتماعی و ایجاد رابطه مستحکم مردم و نظام در چنین جنگهایی از عوامل بنیادین خواهد بود. از این پس جنگها حالت چندگانه نظامی، تکنولوژیک، سایبر، روانی، امنیتی، اطلاعاتی، فریب، مالی و... بیشتری خواهند داشت. (Saab, 2025)

شکسته شدن بازدارندگی، ضرورت بازسازی مجدد بازدارندگی را ضروری می‌سازد که از مهمترین وظایف نهادهای مسول می‌باشد. هر چند سرشت جنگ در ۱۲ روز خود با ابطال برخی تصورات و برداشتهای غلط در هر دو طرف نوعی توازن بازدارندگی جدید ایجاد کرده است. در این جنگ مشخص گردید که بازدارندگی امری ایستا نیست بلکه ماهیتی متغیر، چندلایه و انباشت شونده دارد و کنترل نردبان تصاعد در جنگها به برنامه‌ای ویژه نیاز دارد. (saab, 2025)

در سطح بین‌المللی اقدامات افسار گسیخته اسرائیل قوانین و نرمهای بین‌المللی را زیر سوال برد و در نتیجه نهادهایی همانند سازمان ملل متحد و سازمان انرژی هسته‌ای و رژیم عدم اشاعه بیشترین ضربه را از این مسیر متحمل گردید که در اقدامات آتی کشورها نمایان خواهد شد و آنان را به اقداماتی درون‌زا و همچنین یافتن متحدانی خارج از مدار کشورهای عربی سوق خواهد داد. نهادهای بین‌المللی حتی در حفاظت از سایتهای صلح آمیز هسته‌ای در برابر حمله ناتوان و بی‌عمل بودن و این مساله در آینده تبعات متفاوتی خواهد داشت. همچنین قوانین، نرمها و نظم بین‌المللی آسیب جدی متحمل گردید. موفقیت ایران در به کارگیری فن‌آوریهای غیر غربی و حتی عدم اتکا به سیستم موقعیت‌یابی جهانی (GPS) غربی افقهای جدیدی برای کشورهای منطقه خواهد گشود. همچنین در کشورهایی که همانند ایران قید ممانعتهای مذهبی ندارند و سوسه ایجاد بازدارندگی هسته‌ای قدرتمندتر خواهد شد. یکی دیگر از درسهای استراتژیک این جنگ بویژه برای اسرائیل دریافت اهمیت آمریکا و متحدین منطقه‌ای است. اسرائیل بدون کمک آنها نمی‌توانست از مخمصه خارج گردد. (Saab, 2025)

۱. در سطح ژئوپلیتیک این جنگ ضمن تاثیر برنظم در حال شکل گیری منطقه درسهای استراتژیک متعددی برای کشورهای منطقه داشت. کشورهای منطقه نیز مدتهاست از هراس توسعه طلبی و برنامه های اسرائیل به همگرایی بیشتر و همکاری با یکدیگر و دوری از محور غرب گرایش یافته اند. همگرایی بیشتر عربستان با ایران در این چارچوب معنا می یابد ایران با موفقیت اسطوره شکست ناپذیری اسرائیل را در هم شکست. اینکه پایتخت و مراکز استراتژیک یک کشور هسته ای روزها زیر سخت ترین حملات باشد یک تجربه نوین در عرصه استراتژیک محسوب می گردد. این دو مساله تاثیرات شگرف ژئوپلیتیک به همراه خواهد داشت. همچنین اسرائیل دریافت بدون حمایت مستقیم امریکا میزان آسیب پذیری زیادی دارد و نمی تواند مشکلاتش با ایران را از طریق سیاست مشت آهنین حل کند. (Hongda, 2025) همچنین کشورهای منطقه دریافتند که امریکا اهمیت چندانی برای امنیت آنها قابل نیست و منافع اسرائیل بر همه چیز تقدم دارد. امریکا اقدامی در دفاع از پایگاه العدید در قطر و قبل از آن در قضیه حمله به آرامکو عربستان انجام نداد. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز که وقوع چنین آشوبهایی را مغایر اهداف اقتصادی خود می دانند کوشیدند با افزایش روابط دیپلماتیک با ایران، مخالفت با مدل حمله اسرائیل و افزایش انسجام درونی و ایجاد دفاع یکپارچه موشکی این درسه را عملی سازند. (Ardemangi, 2025)

۲. در سطح عملیاتی هر دو طرف این جنگ با خلاقیتها و ابتکارات گسترده شکلهای نوین و موثری از عملیات را به اجرا گذاشتند که یقیناً بر جنگهای اتی و همچنین امادگی و رویکرد کشورها تاثیرات زیادی خواهد گذاشت. اسرائیل با به کارگیری قاطع نیروی هوایی و نفوذ اطلاعاتی و نقش جاسوسی و نیروهای مزدور و کنترل و هدایت از راه دور تغییرات جدیدی در سطح تاکتیک و عملیات ایجاد نموده است. ایران نیز با بازبایی موثر، حفظ آمادگی و به کارگیری فن آوری بومی و اتکا به توان خودی و وارد آوردن ضربات قاطع سطح جدیدی از تاثیر توان موشک را به نمایش گذاشت. تاکتیکهای موفقیت آمیز ایران در ترکیب پیچیده حملات پهبادی و انواع موشک در فریب سیستمهای دفاع موشکی تاثیرات زیادی در آینده سیستمهای آفندی و پدافندی و شکل جنگها برجای خواهد گذاشت. (liu, 2025) ایران همچنین درجه تاثیر و اهمیت اطلاعات و شناسایی قبلی را به نمایش گذاشت. این درسهها بویژه در سطح اشراف اطلاعاتی

و داشتن اطلاعات دقیق و موثر و به کارگیری مهمات دقیق هدایت شونده ماهیت جنگهای آتی را متحول خواهد کرد. این جنگ از اولین صحنه های واقعی کاربرد گسترده هوش مصنوعی و معماری جنگ دیجیتال در یک جنگ کلاسیک بود که در کنار اطلاعات دقیق و همچنین دقت تسلیحات کشنده ماهیت جنگها را متحول خواهد ساخت. به کارگیری موثر پهبادها و ریزپرنده ها و کنترل از راه دور تحول بعدی در عرصه تاکتیکهای آتی خواهد بود. یقیناً کشورهای مختلف از این پس سرمایه گذاری بیشتری در این عرصه ها خواهند کرد. اهمیت پدافند هوایی و نیروی هوایی و همچنین پدافند غیر عامل از درسهای بعدی این جنگ محسوب می گردد. این عامل با توجه به مفهوم تاکتیکی شدن استراتژی یا استراتژیک شدن سطح تاکتیک باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین ایران با آمادگی دقیق در ارایه اطلاعات غلط و فیک و اهداف جعلی و غیرواقعی موفق شد سیستم محاسباتی دشمن را بر هم بریزد.

تبلور نقش تکنولوژیها و ابزار ارتباطی نوین درشناسایی و عملکرد به عنوان ابزار رسوخ دشمن هر چند در تئوری ذکر می گردید ولی در این جنگ به یقین رسید. باید این درس سرآغاز تحول بزرگی برای ایران محسوب گردد که اتکای بیش از حد به ابزار ارتباطی غرب محور آسیب پذیری بزرگی محسوب می گردد. همچنین این شایعه مطرح است که در مواردی از عملیات هر چند نیاز به ابزار مکان یابی دقیق وجود داشت ولی ایران حتی از به کارگیری سیستمهای موقعیت یاب (جی پی اس) غرب محور خودداری نمود و یکی از دلایل دقت و موفقیت موشکهای ایران همین مساله ذکر می گردد.

## پیشنهادهای اجرایی

درسهای این جنگ باید مبنای تحولات گسترده ای در کشور باشد که نهادهای مرتبط بویژه در ابعاد اطلاعاتی و نظامی بدان مشغول هستند و یقیناً آنها می دانند جنگ آینده تحت تاثیر درسهای این جنگ ممکن است حتی سرشتی متفاوت داشته باشد. ولی می توان موارد زیر را با تاکید بیشتر ذکر نمود.

- تشکیل یک کمیته در عالیترین سطوح و با حمایت عالیترین نهادها برای تجزیه و تحلیل

جنگ و استخراج نقاط ضعف و کمبودهای ساختاری، اطلاعاتی، اجرایی

- در اولویت اضطراری قرار دادن بازسازی مجدد بازدارندگی در سطوح ایجاد قدرت، نمایش قدرت و ایجاد اعتبار در طرف مقابل که هر یک به ساز و کارهای خاص خود نیاز دارد.
- ایجاد ساختارهای متناسب با شرایط بحرانی برای سامان دهی و طراحی مواضع اعلانی همانند ستاد تبلیغات جنگ
- سامان دهی سیاستهای تبلیغی و اعلانی و تعیین نهاد مسول
- ایجاد سازو کارهای مناسب برای افزایش تاب آوری اجتماعی ( همانند روشهای انبار و توزیع اقلام ضروری و استراتژیک)
- تدوین دروس نظامی، تاکتیکی این جنگ و ایجاد اصلاحات ساختاری
- تمرکز نهادهای مطالعاتی و اندیشکده ها بر مساله غافلگیری استراتژیک و جنگ آینده
- ایجاد نهاد مسول در امور استراتژیک و عالی کشور
- اصلاح ساختار اطلاعاتی
- ایجاد کانالهای ارتباطی جدی با ایرانیان خارج از کشور و روایت سازی بومی بویژه راه اندازی یک شبکه تلویزیونی کارآمد و توانمند برای ارتباط با ایرانیان خارج از کشور

## فهرست منابع

- آقایی (۱۳۹۶)، داوود و طاهری، ابراهیم. "تبیین ژئواکونومیک نظم منطقه ای خاورمیانه و آسیای مرکزی در سیستم جهانی" مطالعات اوراسیای مرکزی سال دهم پاییز و زمستان ۱۳۹۶ شماره ۲ (پیاپی ۲۱) صص ۲۷۰-۲۵۵
- فولر، (۱۳۹۳)، ویلیام سی. "درس نظامی چیست؟" در لی برادفورد (۱۳۹۲) و کارل والینگ، منطق استراتژیک و عقلانیت سیاسی. ترجمه عبدالرسول دیوسالار، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) صص ۱۰۵-۷۵
- کرت (۱۳۹۳) جیمز سی. "کلاوزویتس و دو انقلاب معاصر در امور نظامی" در لی برادفورد (۱۳۹۲) و کارل والینگ، منطق استراتژیک و عقلانیت سیاسی. ترجمه عبدالرسول دیوسالار، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) صص ۴۶۴-۴۲۷
- ظریف (۱۳۹۱) محمدجواد و آهنی امینه، محمد. دفاع مشروع پیشدستانه مشروعیت کاربرد زور در روابط بین الملل. مجله تحقیقات سیاسی و بین المللی شماره ۱۲. پاییز ۱۳۹۱ صص ۸۲-۴۱

کلاوزویٹس، کارل فون(۱۳۸۵). در باب جنگ : کتاب اول ماهیت جنگ . ترجمه حسن پروان. تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد

لی برادفورد(۱۳۹۲) و کارل والینگ ، منطق استراتژیک و عقلانیت سیاسی . ترجمه عبدالرسول دیوسالار ، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

Aghaei (2017), Davood and Taheri, Ebrahim. "Goeconomic Explanation of the Regional Order of the Middle East and Central Asia in the World System" Central Eurasian Studies, Year 10, Fall-Winter 2017, No. 2 (21), pp. 270-255[in Persian]

Ardemangi(2025).Alenora ,”The Gulf States After the Israel-Iran War: Three Lessons Learned”<https://www.ispionline.it/en/publication/the-gulf-states-after-the-israel-iran-war-three-lessons-learned-213994>(visited on 15 jul 2025)

Axworthy(2016) Michael and Milton, Patrick,”A Westphalian Peace for the Middle East: Why an Old Framework Could Work” Foreign Affairs, October, 2016

Bajoghli,(2025),narges.”The Generation Iranian Hard-Liners Have Been Waiting for How Israel’s strikes reshaped Iran’s political future” Foreign Policy, july, 29. 2025.

Clausewitz, Carl von (1385). On War: Book One: The Nature of War. Translated by Hassan Parvan. Tehran: Command and Staff College Publications[in Persian]

Fuller, (2014), William C. "What is the Military Lesson?" In Lee Bradford (2013) and Carl Walling, Strategic Logic and Political Rationality. Translated by Abdolrasoul Diosallar, Tehran: Imam Sadeq University Press, pp. 105-75[in Persian]

Joseph Rothner,Military and Geopolitical lessons of the Israel-Iran War Jun 25, 2025

Jee,sudhakar (2025),Israel-Iran 12-Day War: Tel Aviv’s tactical win, Iran’s strategic advantage<https://www.indiasentinel.com/opinion/israel-iran-12-day-war-tel-aviv-tactical-win-irans-strategic-advantage-6909>

Kerth (2014) James C. "Clausewitz and Two Contemporary Revolutions in Military Affairs" In Lee Bradford (2013) and Carl Walling, Strategic Logic and Political Rationality. Translated by Abdolrasoul Diosallar, Tehran: Imam Sadeq University Press, pp. 464-427[in Persian]

Khodae(2025)Esfandiar, ”Five Strategic Miscalculations That Lured Israel into War with Iran” , Modern diplomacy, June 22, 2025

Lee Bradford (1392) and Carl Walling, Strategic Logic and Political Rationality. Translated by Abdolrasoul Diosalar, Tehran: Imam Sadeq University Publications[in Persian]

Levaton(2025), Stav.”Israel’s 12-day war with Iran was a test of technological dominance “The Times of Israel,1 July 2025

Liu(2025),Mei Ching.”Iran’s Tactic Against Israel Confirms a New Trend in Warfare” Rajaratnam School of International Studies (RSIS), Nanyang Technological University (NTU), Singapore. 23 June 2025

Luttwak(1987)Edward.Strategy:the logic of war and peace . London:Harward university press

Saab(2025)Bilal and White,Darren. Lessons Observed from the War Between Israel and Iran. <https://warontherocks.com/2025/07/lessons-observed-from-the-war-between-israel-and-iran/> ( observed on 27.7 2025)

Salih(2025),Muhamad. ”An Emergent US-Favored Regional Order in the Middle ...Foreign Policy Research Institute” Foreign Policy research Institute. <https://www.fpri.org/article/2025/07/an-emergent-...>

- Shahak(2016), Israel"Greater Israel: The Zionist Plan for the Middle East"The Infamous "Oded Yinon Plan". Introduction by Michel Chossudovsky ,Global Research, April 23, 2016
- Shoamanesh(2012)Samsasan."A New Security Order for the Middle East" Global Brief, fall 2012
- Stroul(2025) Dana."The Narrow Path to a New Middle East:A Regional Order to Contain Iran for Good". Foreign Affairs .May/June 2025  
<https://www.tabnak.ir/fa/news/1319455>[in Persian]
- Toossi,Sina(2025)." Israel's War on Iran Backfired", Foreign Policy, 1 July 2025
- Leber(2017) Andrew,"Creative Chaos And The Middle East:The realities of Bush- and Obama-era failures gave birth to MENA conspiracy theories"Aug 2, 2017<https://medium.com/@AndrewMLEber/creative-chaos-and-the-middle-east-8bfa645575c9>
- Yadlin(2024),Amos and Golov,AVNER."An Israeli Order in the Middle East:A Chance to Defeat the Iranian Vision for the Region—and Improve on the American Vision".Foreign Affairs,December 17, 2024
- Zarif (2012) Mohammad Javad and Ahani Amineh, Mohammad. Preemptive self-defense: the legitimacy of the use of force in international relations. Journal of Political and International Research, No. 12. Fall 2012, pp. 41-82[in Persian]

